

رابطه عدم اشتغال با افسردگی جوانان در جامعه ایران

مژگان شاه آبادی فراهانی^۱

چکیده

امروزه در جامعه ایران، مسئله بیکاری به ویژه در میان جوانان به یک چالش جدی تبدیل شده است. نبود فرصت‌های شغلی مناسب و پایدار، علاوه بر پیامدهای اقتصادی، تبعات روانی قابل توجهی نیز به همراه دارد. این وضعیت نه تنها بر جنبه‌های اقتصادی زندگی جوانان تاثیر گذاشته، بلکه به سلامت روان آن‌ها نیز آسیب جدی وارد کرده است. هدف از این پژوهش بررسی رابطه عدم اشتغال با افسردگی جوانان در جامعه ایران است. در این پژوهش، با استفاده از روش توصیفی-کتابخانه‌ای داده‌های مهم جمع‌آوری و تحلیل شده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که بیکاری رابطه مستقیمی با افزایش افسردگی، اضطراب و کاهش عزت نفس در جوانان دارد. همچنین، بیکاری با افزایش احتمال بروز رفتارهای پرخطر مانند مصرف مواد مخدر و ارتکاب جرم مرتبط بود. در نتیجه، می‌توان گفت بیکاری به عنوان یک عامل مهم در بروز مشکلات روانی و اجتماعی در جوانان محسوب می‌شود.

کلیدواژگان: افسردگی جوانان، بیکاری، عدم اشتغال در جامعه ایران

^۱. طلبه سطح دو، حوزه علمیه فاطمیه پاکدشت، استان تهران، ۰۹۳۶۸۹۳۴۹۵۳

مقدمه

در جامعه ایران، همانند بسیاری از جوامع دیگر، مسئله بیکاری به ویژه در میان جوانان به یک چالش جدی تبدیل شده است. نبود فرصت‌های شغلی مناسب و پایدار، علاوه بر پیامدهای اقتصادی، تبعات روانی قابل توجهی نیز به همراه دارد. این وضعیت نه تنها بر جنبه‌های اقتصادی زندگی جوانان تاثیر می‌گذارد، بلکه به سلامت روان آن‌ها نیز آسیب جدی وارد می‌کند. مطالعات متعدد نشان داده‌اند که رابطه مستقیمی بین عدم اشتغال و افزایش سطح افسردگی در میان جوانان وجود دارد. یکی از این تبعات، افزایش شیوع افسردگی در میان جوانان است. ارتباط میان عدم اشتغال و افسردگی، به عنوان یک موضوع پیچیده و چند وجهی، نیازمند بررسی و تحلیل دقیق است. اکنون این پرسش مطرح است که چه رابطه‌ای میان عدم اشتغال در جوانان ایرانی و شیوع افسردگی وجود دارد؟

در این پژوهش، رابطه بین عدم اشتغال و افسردگی در میان جوانان جامعه ایران و شناسایی عوامل مؤثر بر این رابطه، مورد بررسی قرار گرفته است. با دستیابی به این هدف، می‌توان به درک عمیق‌تری از چالش‌های پیش روی جوانان بیکار دست یافت و راهکارهای عملی برای بهبود وضعیت آن‌ها ارائه داد. بررسی رابطه میان عدم اشتغال و افسردگی در جوانان، از چندین جهت حائز اهمیت و ضرورت است؛ توسعه سیاست‌های اجتماعی: شناخت دقیق این رابطه می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کند تا برنامه‌های مؤثری برای کاهش بیکاری و بهبود سلامت روان جوانان طراحی کنند. بهبود کیفیت زندگی: با شناسایی عوامل مؤثر بر این ارتباط، می‌توان به بهبود کیفیت زندگی جوانان بیکار و کاهش بار روانی ناشی از بیکاری کمک کرد. پیشگیری از مشکلات اجتماعی: افسردگی ناشی از بیکاری می‌تواند منجر به بروز مشکلات اجتماعی دیگری مانند اعتیاد، انزوا و حتی اقدام به خودکشی شود. بنابراین، پیشگیری از افسردگی می‌تواند برای کاهش این مشکلات کمک کننده باشد. پژوهش‌هایی نیز در این زمینه صورت گرفته است؛ مقاله پژوهشی از فخری کیا و همکاران، تحت عنوان تاثیر بیکاری و عوامل مخرب افسردگی در بین دانشجویان استان گلستان، وجود چگونگی رابطه بین بیکاری و افسردگی در بین دانشجویان گلستان مورد بررسی قرار گرفت. در پژوهش نامبرده از طریق شیوه‌های مختلف، به بررسی تاثیر بیکاری و عدم اشتغال بر سلامت روان پردازش شده است. اما به رابطه عدم اشتغال با افسردگی جوانان در جامعه ایران اشاره‌ای نشده است. این پژوهش، با بکارگیری روش توصیفی - کتابخانه‌ای به بررسی عواملی که در سلامت روان و افسردگی جوانان و ارتباط آن با عدم اشتغال جوانان در جامعه ایران تاثیرگذار هستند، می‌پردازد.

۱- مفاهیم

۱-۱ افسردگی: افسردگی، نشانگانی است که تحت سلطه خلق افسرده است و بر اساس بیان لفظی یا غیر لفظی عواطف غمگین، اضطرابی و یا حالت‌های برانگیختگی نشان داده می‌شود.^۱ حالت روانی ناخوش که با دل‌زدگی، یاس و خستگی‌پذیری مشخص می‌شود و در بیشتر مواقع با اضطرابی کم و بیش شدید همراه است افسردگی اختلالی است که در آن خلق و نیروی زیستی فرد کاسته شده و انسان به نقطه پریشانی می‌رسد. در چنین شرایطی، خودممکن است بی ارزش به نظر برسد و جهان معنای خود را از دست بدهد و احساس بدبختی و بیچارگی و ناامیدی در فرد پدید آید.

۱-۲ بیکاری: واژه بیکاری در اصطلاح اقتصادی، به فردی گفته می‌شود، که شاغل محسوب نشده و در هفت روز قبل از مراجعه مامور آمارگیری، دارای سه خصوصیت زیر باشد:

۱. فاقد کار؛ دارای اشتغال مزدبگیری یا خوداشتغالی نباشد؛

۲. آماده برای کار؛ برای اشتغال مزدبگیری یا خوداشتغالی، آمادگی داشته باشد؛

۳. جویای کار؛ اقدامات شخصی را به منظور جستجوی اشتغال مزدبگیری و یا خوداشتغالی به عمل آورده باشد.^۲ بیکاری از مسائل عمده اقتصاد کلان است، که به صورتی کاملاً مستقیم و شدید، بر یکایک افراد جامعه اثر می‌گذارد. از نظر اکثر مردم، از دست دادن شغل، به معنی پایین آمدن سطح زندگی، مستهلک شدن پول کنارمانده جهت هزینه زندگی، از دست رفتن عقل و خرد، از دست رفتن عزت و آبرو و ایجاد فشارهای روانی است.

۱-۳ کار: «کار» ابتدایی ترین حق طبیعی انسانی است چرا که نوع بشر در پاسخ به نیاز های خود ناگزیر از انجام آن است و مهم ترین و مبرم ترین و ضروری ترین حق است چرا که در صورت نبود شرایط کار شرایط زیستی بشر به شدت به خطر می افتد. «کار» حق قانونی انسان هاست چرا که از جمله حقوق طبیعی است که طی مبارزات کارگران و زحمتکشان سراسر دنیا رسمیت یافته و قانون مند شده است و پرداختن به این حق برای دولت ها الزامی است.^۳

^۱. وزنهان، آسیب شناسی روانی، ت: سیدمحمدی، ص ۳

^۲. فرجی، اقتصاد کلان، ص ۶

^۳. قلی پور، ۱۳۹۵: ۲۳

۲- رابطه عدم اشتغال با افسردگی

تورم و بیکاری، دو چالش بزرگ اقتصادی هستند که تأثیر مستقیمی بر سلامت روانی و اجتماعی جامعه می‌گذارند. وقتی قیمت‌ها به سرعت بالا می‌روند و قدرت خرید مردم کاهش می‌یابد، استرس و نگرانی در جامعه افزایش پیدا می‌کند. همچنین، افزایش بیکاری باعث کاهش درآمد خانواده‌ها و احساس ناامنی می‌شود. این شرایط می‌تواند منجر به افسردگی، اضطراب و سایر مشکلات روانی شود. از سوی دیگر، نوسانات اقتصادی باعث بی‌ثباتی در زندگی مردم می‌شود و برنامه‌ریزی بلندمدت را دشوار می‌کند. این عدم اطمینانی، احساس ناامیدی و یأس را در افراد تقویت می‌کند. در نتیجه، ممکن است شاهد افزایش مهاجرت از کشور و کاهش سرمایه‌گذاری باشیم که به اقتصاد کشور آسیب می‌زند.^۱ بیکاری نه تنها به عنوان یکی از چالش‌های اصلی اقتصادی شناخته می‌شود، بلکه اثرات مخربی بر ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی دارد. کاهش درآمد ناشی از بیکاری، به طور مستقیم بر سطح زندگی افراد تأثیر گذاشته و منجر به کاهش توانایی آن‌ها در تأمین نیازهای اولیه همچون تغذیه سالم و مراقبت‌های بهداشتی می‌شود. همچنین، بیکاری می‌تواند عواقب روانی و اجتماعی جدی به همراه داشته باشد. احساس بی‌ارزشی، کاهش اعتماد به نفس، افسردگی و اضطراب از جمله مشکلات روانی است که بسیاری از افراد بیکار با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. همچنین، بیکاری می‌تواند به افزایش تنهایی، انزوای اجتماعی و در برخی موارد، به رفتارهای پرخطر مانند مصرف مواد مخدر و ارتکاب جرم منجر شود. از دیدگاه جامعه‌شناختی، بیکاری می‌تواند به افزایش نابرابری‌های اجتماعی، تضعیف انسجام اجتماعی و در نهایت، بی‌ثباتی اجتماعی منجر شود. کاهش درآمد خانوارها به دلیل بیکاری، تقاضا برای کالاها و خدمات را کاهش داده و در نتیجه، بر فعالیت‌های اقتصادی و رشد اقتصادی کشور اثر منفی می‌گذارد.

۱-۲ افسردگی و اثرات اجتماعی ناشی از آن

افسردگی، اختلالی شایع و پیچیده است که دلایل متعددی برای بروز آن وجود دارد. این اختلال ناشی از تعامل پیچیده عوامل ژنتیکی، بیولوژیکی و محیطی است.

الف) عوامل ژنتیکی: تحقیقات نشان داده است که افراد دارای سابقه خانوادگی افسردگی، مستعدتر به ابتلا به این اختلال هستند. به عبارت دیگر، ژن‌ها می‌توانند نقش مهمی در افزایش احتمال ابتلا به افسردگی ایفا کنند. با این حال، وجود سابقه خانوادگی، به معنای ابتلای قطعی فرد به افسردگی نیست.

^۱. شفیع و همکاران، ۱۴۰۱

ب) عوامل بیولوژیکی: تغییرات در عملکرد مغز، از جمله اختلال در انتقال‌دهنده‌های عصبی مانند سروتونین، نور اپی‌نفرین و دوپامین، می‌تواند به بروز افسردگی منجر شود. همچنین، تغییرات در ساختار و عملکرد برخی مناطق مغز نیز با افسردگی مرتبط است.

ج) عوامل محیطی (روانی-اجتماعی): عوامل محیطی مانند استرس‌های زندگی، از دست دادن عزیزان، مشکلات مالی، روابط بین‌فردی ناسالم و رویدادهای تروماتیک می‌توانند به عنوان محرک‌هایی برای بروز افسردگی در افراد مستعد عمل کنند. این عوامل می‌توانند با تأثیرگذاری بر عملکرد سیستم عصبی و هورمونی، احتمال بروز افسردگی را افزایش دهند.

بروز افسردگی اغلب نتیجه تعامل پیچیده عوامل ژنتیکی، بیولوژیکی و محیطی است. به عنوان مثال، فردی که دارای استعداد ژنتیکی برای افسردگی است، ممکن است در مواجهه با یک رویداد استرس‌زا مانند از دست دادن شغل، دچار افسردگی شود. شناخت عوامل خطر برای افسردگی می‌تواند به تشخیص زودهنگام و درمان موثر این اختلال کمک کند. با شناسایی عوامل مستعدکننده و محرک، می‌توان اقدامات پیشگیرانه و درمانی مناسب را انجام داد.^۱ موقعیت‌های مختلف زندگی می‌توانند نقش مهمی در ایجاد افسردگی داشته باشند، هرچند که در این زمینه، بین دانشمندان اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند که سوگ و از دست دادن عزیزی می‌تواند منجر به افسردگی شود. مطالعات نشان داده‌اند که مرگ همسر یکی از مهم‌ترین عوامل در این زمینه است. همچنین، رویدادهایی مانند تولد فرزند، بازنشستگی، یائسگی و سایر استرس‌های عمده می‌توانند در بروز افسردگی نقش داشته باشند.

۲-۲ افسردگی در جامعه ایران

افزایش روزافزون افسردگی در جامعه ایران، پدیده‌ای چندوجهی است که ریشه در تحولات اجتماعی و روانشناختی دارد. جامعه ایران در گذار از سنت به مدرنیته، با چالش‌های متعددی روبرو شده است. شکاف‌های عمیق اجتماعی، از جمله شکاف سنی، جنسیتی و ارزشی، باعث ایجاد سردرگمی و ناامنی در افراد شده است. فقدان ارزش‌های مشترک، عدم امنیت اقتصادی و اجتماعی، و محدودیت‌های فردی در تغییر شرایط موجود، از جمله عواملی هستند که به احساس درماندگی و یأس در افراد دامن می‌زنند. نسل جوان به ویژه، به دلیل مواجهه با انتظارات و فشارهای اجتماعی بالا، احساس می‌کند که توانایی کنترل زندگی خود را ندارد. این احساس ناتوانی و بی‌اثر بودن، می‌تواند به افسردگی منجر شود. همچنین،

^۱. ملک پور و سلطان پور، ۱۳۹۶- بابا زاده، ۱۳۹۹

دست دادن اعتماد به نفس، نسبت به زندگی و تشکیل خانواده نیز دچار بحران شدید روحی می‌شود. از این رو، برای تسکین عدم موفقیت خود، ناگزیر به پیوستن به گروه‌های ناهنجار جامعه شده و به جای سازندگی، به تخریب جامعه می‌پردازد. بر این اساس، در جامعه‌ای که تعداد افراد بیکار زیاد باشد، امنیت اجتماعی به خطر افتاده و افراد بیکار برای امرار معاش خود، دست به اعمال خلاف قانون می‌زنند؛ زیرا عزت نفس آن‌ها خدشه‌دار شده است. در واقع، بیکاری موجب می‌شود جوانان برای تأمین زندگی خود، مرتکب جرم و کارهای خلاف شوند. از سوی دیگر، رابطه مستقیمی میان اعتیاد به تریاک و وضعیت نامناسب اجتماعی وجود دارد؛ زیرا وقتی برای افراد، به ویژه جوانان، شغل مناسب و برنامه کاری نداشته باشند، گرد هم جمع شده و حاصل چنین جمع‌هایی، آلوده شدن به قمار، فحشا و اعتیاد است.^۱

د) تاخیر در ازدواج: در دین مبین اسلام، خانواده محبوب‌ترین نهاد بشری نزد خداوند است که پس از تشکیل آن، تأمین نیازهای معنوی و عاطفی انسان از جمله دستیابی به آرامش، محقق می‌شود. همچنین در اسلام، خانواده به عنوان کانون تربیت معرفی شده است که صلاح و فساد آن موجب نیکبختی و سعادت یا انحراف و تباهی جامعه انسانی خواهد شد. ارزش و اهمیت تشکیل خانواده، تأمین سلامت روانی، آرامش، عشق و محبت، انس و الفت میان زوجین و نیز والدین و فرزندان است. خداوند در آیات مختلف به نقش و اهمیت خانواده در تشکیل جامعه نمونه انسانی اشاره نموده و پیوندهای سالم خانوادگی را دعای انسان‌های متقی و پرهیزکار معرفی کرده است.

در این راستا، زن نقش اساسی در پیشبرد اهداف جامعه سالم ایفا می‌کند؛ چنان‌که رسول اکرم (ص) در حدیثی برای خداوند در زمین کارگزارانی را معرفی کرده است که زن، یکی از آنهاست و خداوند برای او نیمی از ثواب شهیدان قرار داده است. این در حالی است که جوانان مهم‌ترین عامل تأخیر در امر ازدواج را فقر و نداری می‌دانند؛ زیرا تأمین مخارج همسر و فرزندان، عاملی است که فرد بیکار را از ازدواج باز می‌دارد. در حقیقت، فقر و نداری، رابطه دوسویه با تشکیل خانواده و رشد ازدواج دارد. بیکاری و ترس و احساس فقر، عامل تأخیر در ازدواج است که به نظر می‌رسد با کاهش بیکاری و آماده‌سازی فضای اشتغال مطمئن برای جوانان بتوان موجب رشد ازدواج در جامعه شد. بر این اساس، اشتغال به عنوان مهم‌ترین پیش‌شرط ازدواج محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، زمانی شرایط ازدواج فراهم می‌شود که مردان از نظر اقتصادی و معیشتی و نیز شغلی دارای شرایط مناسبی باشند. ثبات اقتصادی در میان مردان، عامل مهمی

^۱. قنبری، ۱۴۰۰

در افزایش فراوانی ازدواج خواهد بود و بدین جهت است که فرد بیکار در امر ازدواج خود تأخیر ایجاد می‌کند. در حقیقت، اشتغال، عامل مؤثری در ازدواج مردان جوان به شمار می‌آید.^۱

و) از هم‌گسیختگی بافت اجتماعی: بیکاری، علاوه بر تضعیف پیوندهای خانوادگی، موجب از هم‌گسیختگی ارتباطات خویشاوندی و روابط اجتماعی نیز می‌شود. این پدیده عمدتاً از حس عدم اعتماد به نفس در فرد بیکار نشأت می‌گیرد. بیکاری نه تنها تعهدات بین فردی در خانواده، بلکه پیوندهای اجتماعی را نیز سست کرده و فرد را دچار انزوای اجتماعی می‌کند. یأس و ناامیدی در بستر بیکاری پرورش یافته و به مرور زمان روحیه شخص بیکار را تخریب کرده و این نگرش به جامعه نیز سرایت خواهد کرد. بیکاری مشکلات فراوانی را برای خانواده ایجاد کرده و مسائل و مشکلات قبلی را چندین برابر می‌کند. در حالی که فرزندان انتظار دارند خانواده‌ها امکانات لازم را برای آن‌ها فراهم کنند، اما به دلیل بیکاری پدر خانواده این شرایط مهیا نشده و در پی آن، زمینه درگیری‌های خانوادگی و به تبع آن معضلات اجتماعی فراهم می‌شود. از این‌رو پدیده بیکاری و فقر حاصل از آن، بنیان خانواده را که سنگ بنای جامعه محسوب می‌شود؛ تهدید می‌کند و به سمت فروپاشی می‌کشاند. فقر و بیکاری به عنوان مسئله‌ای اجتماعی پذیرفته‌نشده مطرح شده است و آسیب‌های اجتماعی دیگر همچون اعتیاد، سرقت، طلاق، فحشا و ... را تشدید می‌کند.^۲

^۱ . افشار و همکاران

^۲ بازوند و محمدی پور، ۱۴۰۰

نتیجه گیری

در یافته‌های پژوهش رابطه عدم اشتغال با افسردگی جوانان در جامعه ی ایران، به وضوح نشان می‌دهد که بیکاری به عنوان یک عامل اجتماعی مؤثر، تأثیرات گسترده و مخربی بر سلامت روان افراد و در نتیجه، بر کل جامعه دارد. ارتباط مستقیمی بین بیکاری و افزایش افسردگی، اضطراب و احساس پوچی در افراد وجود دارد. همچنین، بیکاری به عنوان عاملی کلیدی در بروز و تشدید سایر مشکلات اجتماعی نظیر جرم و جنایت، اعتیاد، طلاق و ناآرامی‌های اجتماعی شناخته می‌شود. افراد بیکار به دلیل فقدان درآمد ثابت، عدم احساس مفید بودن و کاهش عزت نفس، بیشتر در معرض استرس‌های روانی قرار می‌گیرند. این استرس‌ها به نوبه خود، خطر ابتلا به طیف وسیعی از اختلالات روانی از جمله افسردگی، اضطراب و اختلالات شخصیتی را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، بیکاری می‌تواند منجر به انزوای اجتماعی، کاهش کیفیت زندگی و در نهایت، آسیب‌های جدی به سلامت جسمی افراد شود. نتایج این پژوهش تأکید می‌کند که بیکاری صرفاً یک مشکل اقتصادی نیست، بلکه یک بحران اجتماعی با پیامدهای گسترده بر سلامت روان و رفاه افراد است. برای مقابله با این معضل، نیازمند تدوین سیاست‌های جامع و همه جانبه‌ای هستیم که علاوه بر ایجاد فرصت‌های شغلی، به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی افراد و کاهش استرس‌های زندگی نیز کمک کند. پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آینده، به بررسی دقیق‌تر مکانیسم‌های اثرگذاری بیکاری بر سلامت روان، نقش عوامل میانجی مانند حمایت اجتماعی و سرمایه اجتماعی، و همچنین ارزیابی اثربخشی مداخلات روانشناختی و اجتماعی در کاهش تأثیرات منفی بیکاری پرداخته شود. در نهایت، نتایج این پژوهش می‌تواند برای سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مددکاران اجتماعی در جهت طراحی و اجرای برنامه‌های مؤثر برای کاهش بیکاری و بهبود سلامت روان جامعه مفید واقع شود.

منابع

نهج البلاغه

الف) کتب فارسی

- ۱- آذربایجانی، مسعود، روانشناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، تهران، سمت، ۱۳۸۲.ش
- ۲- جیمز، ویلیام، دین و روان، ترجمه: مهدی قائن، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول، ۱۳۵۶.ش
- ۳- دادستان، پریخ، روان‌شناسی مرضی تحولی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول ۱۳۸۲.ش
- ۴- فرجی، یوسف، اقتصاد کلان، تهران، انتشارات کویر، چاپ اول، ۱۳۸۴.ش
- ۵- قره‌باغیان، مرتضی، فرهنگ اقتصاد و بازرگانی، تهران، رسا، چاپ اول، ۱۳۷۶.ش
- ۶- گنجی، حمزه، بهداشت روانی، تهران، ارسباران، ۱۳۸۲.ش
- ۷- منکیو، گریگوری، اقتصاد کلان، ترجمه: علی پارسیان، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۳.ش
- ۸- وزنهان، دیویدال، آسیب‌شناسی روانی، ترجمه: یحیی سیدمحمدی، تهران، انتشارات ارسباران، ۱۳۷۹.ش

مقالات

- ۹- افشاری مهناز و همکاران ۱۳۹۹، تأثیرات بیکاری بر سلامت در ایران: مرور حیطه ای ۱۵ سال پژوهش، نشریه: مجله دانشگاه علوم پزشکی فسا، شماره ۱
- ۱۰- بابازاده، معصومه و فاطمه، بررسی عوامل مؤثر بر افسردگی افراد در جامعه و دالیل ابتلای به آن، کنفرانس ملی اندیشه های نوین ۱۳۹۹
- ۱۱- بازوند سجاد و محمدی پور، بشرا، تاثیر بیکاری بر جرم و انحرافات اجتماعی، هفتمین کنفرانس بین المللی پژوهشهای دینی و اسلامی، حقوق، علوم تربیتی و روانشناسی ۱۴۰۰

- ۱۲- چلبی مسعود و یاقوتی، هدا، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر افسردگی بررسی تطبیقی میزان افسردگی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در استان گیلان و تهران، مقاله ۲، شماره ۲
- ۱۳- دادگر، یدالله، «کارایی، رفاه و عدالت در اسلام و اقتصاد متعارف»، نامه مفید ۱۷، ۱۳۹۸
- ۱۴- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، آمارگیری از ویژگی‌های اشتغال و بیکاری خانوار، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ۱۳۹۰
- ۱۵- قلی پور رحمت الله ۱۳۹۵، علل و عوامل بیکاری، کار و جامعه، شماره ۴۳
- ۱۶- قنبری مرضیه، آثار منفی بیکاری و تنبلی در فرد، خانواده و جامعه، دوفصلنامه علمی - تخصصی، شماره ۳
- ۱۷- ملک پور، سهیل و اسماعیل پور، منصور، بررسی عوامل مؤثر بر میزان افسردگی افراد با استفاده از روش های داده کاوی (مطالعه موردی شهروندان شهر همدان)، دومین کنفرانس بین المللی پژوهش های دانش بنیان در مهندسی کامپیوتر و فناوری اطلاعات، تهران ۱۳۹۶
- ۱۸- میر شفیعی امیر، نوسانات تورم و آثار آن بر شاخص های اقتصادی مؤثر بر سلامت، نشریه پژوهشکده علوم بهداشتی جهاددانشگاهی، شماره ۳، ۱۴۰۱